



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ساموئل بکت

نن امیدنی

ترجمه‌ی مهدی نوید

- جهان‌نو -

فهرست

۹	ننمایدنی
۱۷۱	حواشی و تعلیقات
۳۴۵	منابع

حالا کجا؟ حالا کی؟ حالا کی؟ بی هیچ پرسشی. من، می گویم من. بی هیچ باوری. پرسش‌ها، فرضیه‌ها، این‌ها را می گویم این. ادامه می‌دهم، پیش می‌روم، به این می‌گویم ادامه، به این می‌گویم پیش‌رفتن. می‌شود که یک روز، همچنان که ادامه می‌یابد، یک روز فقط بمانم، در کجا، به جای رفتن، به روال قدیم، برای گذران روز و شب در جایی هر چه دورتر، دور نبود. شاید این‌گونه آغاز شد. فکر می‌کنی فقط استراحت می‌کنی، بهتر است وقتی کار کنی که زمانش برسد، یا بی هیچ دلیلی، و کمی بعد می‌بینی که قدرت نداری اصلاً باز کاری کنی. مهم نیست چه طور این اتفاق افتاد. این، می‌گویم این، نمی‌دانم چه. شاید دست‌آخر فقط به چیزی رضایت دادم. اما هیچ کاری نکردم. انگار صحبت می‌کنم من، این من نیست، درباره‌ی من، درباره‌ی من نیست. این چند ملاحظه‌ی کلی برای آغاز کار. چه کنم، چه باید بکنم، چه می‌بایست بکنم، در موقعیت من، چگونه پیش بروم؟ با سرگشتگی‌ای ساده و محض؟ یا با تأیید و انکارهایی که به محض به‌زبان آوردن باطل می‌شوند، یا زودتر یا دیرتر؟ به طور کلی. باید ترفندهای دیگری وجود داشته باشد. وگرنه به‌تمامی مایوس‌کننده می‌شد. اما به‌تمامی مایوس‌کننده است. باید قبل از پیش‌تر رفتن، باز هم پیش‌تر رفتن، تذکر بدهم که من می‌گویم سرگشتگی بدون آن‌که بدانم معنایش چیست. آیا می‌توان شکاک بود به‌جای ناآگاه؟ نمی‌دانم. با بله‌ها و نه‌ها متفاوت می‌شود، همچنان که جلوتر می‌روم به سویم باز می‌گردند و چه می‌کنم، مثل یک پرنده، روی هم‌شان بدون استشنا کثافت